

تأثیر اشتغال زن بر خانواده

(بررسی مشکلات زنان شاغل و متاهل در خانواده)

محقق - محمدولی کیانمهر

(عضو هیات علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی)

چکیده

این تحقیق که در خرداد سال ۷۸ انجام شده است از تأثیر حضور زن ایرانی در فعالیتهای اقتصادی سخن به میان می‌آورد. چه اثراتی به روابط میان همسران و روحیه فرزندان دارد؟ آیا سبب به هم ریختن نظام خانواده می‌گردد؟ اشتغال زنان در هرم قدرت خانواده مؤثر می‌باشد؟ در کشورهای پیشرفته مرد و زن هر دو کار می‌کنند ولی کار آنها از بسیاری جهات با یکدیگر متفاوت است نظیر کل ساعات کار، نوع کار، میزان پرداخت، سن و مشارکت در خانه داری که در تمامی این موارد زنان نقش فعالی دارند. محقق اشتغال زنان را به چهار دوره تقسیم کرده و در این باره، به تحلیل پرداخته است.

بیان مسأله

شوهر و آثار مستقیم آن بر روحیه فرزندان و تربیت آنان، به هم ریختن نظام خانواده) مواجه گردیده و از سویی دیگر، اختلاف عقیده را در میان توده‌های مختلف مردم موجب شده است.

فردای ایران با توجه به آنچه روند حرکت در اشتغال زنان نشان می‌دهد، باید با دگرگونیهای بسیار بنیادی در توزیع وظایف و حتی ترکیب بازار اشتغال مواجه باشد.^۱

سؤالهای مطرح شده در ارتباط با این موضوع به شرح زیر می‌باشد:

۱. تأثیر اشتغال مادران بر روابط فرزندان و فضای عاطفی آنها به چه صورت است؟
۲. اشتغال زنان در روابط اقتصادی درون خانواده چه تغییراتی ایجاد کرده است؟
۳. اشتغال زنان بر روابط خویشاوندی و رفت و آمدهای خانوادگی چه تأثیری نهاده است؟
۴. اشتغال زنان در رسیدگی به امور منزل چه تغییراتی ایجاد کرده است؟
۵. استقلال مالی ناشی از اشتغال زنان چه تأثیری بر روابط زن و شوهری نهاده است؟

از زمانی که جامعه ایران به سوی آورده‌های تمدن جدید حرکت کرد، دگرگونیهای زیادی به بار آمده که یکی از مهمترین آنها اشتغال زنان می‌باشد. این پدیده، جامعه و مخصوصاً خانواده ایرانی را از جهات بسیاری تحت تأثیر قرار داده است. از جمله اینکه اشتغال شکلی نوگرفت و در تولید و مصرف حدنصابهای تازه وضع گردید. چنانکه، سرنوشت زنان تغییری بنیادی یافت.

اشتغال زنان در فعالیتهای اقتصادی خارج از چارچوب خانوار که در طی چند دهه گذشته، بویژه در جوامع شهری اهمیت یافته، مسائلی را مطرح کرده است که به دلیل اهمیت، موضوع پژوهشهای متعددی قرار گرفته است. در کشوری مانند ایران گرایش زنان به اشتغال همگام با دسترسی بیشتر آنان به سازمانهای آموزشی (مدارس و دانشگاهها) در طی مدتی تقریباً کوتاه در اغلب شهرهای بزرگ شدت یافت. اما به دلیل اینکه این امر با شتابزدگی در میان برخی از گروهها مطرح گردیده است و در عین حال شرایط اجتماعی - فرهنگی جامعه در خیلی از موارد پویایی متناسب با آن را نداشته است، اشتغال زنان از سویی با مسائل حاد (درگیریهای روانی میان زن و

است؟

هدف

۶. عقیده زنان در ارتباط با اشتغال زنان چیست؟
۷. آیا اشتغال زنان در هرم قدرت خانواده مؤثر بوده

اشتغال زن و دستیابی وی به منابع اقتصادی ناشی از کار و تسخیر فضاهای تازه اجتماعی توسط آنان تا چه اندازه بر خانواده و روابط خانوادگی تأثیر می‌گذارد؟

تاریخچه

تاریخچه اشتغال زنان جهان و ایران را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

الف - تاریخچه اشتغال زنان در جهان

انسان به طور طبیعی گرایش به رشد و تکامل دارد و اصلترین تفاوت او با دیگر موجودات داشتن قدرت تفکر و خلاقیت است. با توجه به قدرت تفکر انسان از او انتظار می‌رود، روشهایی نوین و شیوه‌هایی جدید را در زندگی و محیط مادی به وجود آورد. در نتیجه پویایی، خلاقیت و حرکت به سوی کمال در فطرت انسان نهاده شده است.

از انسان متفکر به طور طبیعی انتظار رشد و تکامل می‌رود و اگر شاهد ایستایی در برهه‌ای از تاریخ بشریت هستیم و ناظر این هستیم که جوامعی با وجود تحولات هنوز در روند توسعه قرار نگرفته‌اند باید به دنبال موانع و مشکلات موجود در حل این مسأله باشیم و در نتیجه راههای رسیدن به توسعه و تحول صنعتی را فراهم آوریم، و همواره باید در نظر داشته باشیم که انسان محور اصلی توسعه و تحول می‌باشد.^۱

پدیده اشتغال از ابتدای زندگی اجتماعی بشر مورد توجه بوده است. جامعه‌شناسان و روان‌شناسان اجتماعی از بُعد تخصصی به این پدیده نگرسته‌اند. و افزایش کمی و کیفی کار همواره یکی از موضوعات مورد مطالعه آنها بوده است. از آن جمله، مطالعات تیلور (Taylor) و ژیلبرت (F.G) را می‌توان ذکر کرد. در آن دوران بورژوازی عصر

طلایی خود را می‌گذراند و سرمایه محور حاکم در جامعه بشری بود. فقدان سندیکاهای کارگری، استعمار، بهره‌کشی و بالاخره ارتش، موجب گسترش بیکاری شده بود. هدف رهبران مسلط در تولید، بهره‌برداری هر چه بیشتر، به هر قیمت حتی با قبول پیری، زودرس کارگران بود تا اینکه شرایط تغییر یافت افرادی نظیر پرودن (Proudhon) و مارکس (Marx) خودبیینگی را مطرح ساختند. از نظر آنها کار جزئی از وجود آدمی شناخته می‌شد. و تنها هدف از کارکردن، تأمین روزی و تلاش نبود، بلکه ارضای روانی حاصل از احساس مفید بودن و احساس خلاقیت با دیدن حاصل کار خویشتن، مورد توجه قرار می‌گرفت. از جانب دیگر به منظور نشان دادن ابعاد کیفی کار و پیوندهای ذهنی انسان و کارش، مایو (Mayo) زمینه روان‌شناسی کار را مورد بررسی قرار داد. مطالعات او نشان داد که استراحت در بین ساعات کار، تأمین نیازهای بهداشتی، توجه به فراغت سالم نیروی کار، تصحیح روابط کارگر و کارگر؛ کارگر و کارفرما و بهبود شرایط محیطی کار، همگی شبکه‌ای از عوامل مؤثر بر کار را می‌سازد.^۲

جامعه‌شناسانی چون امیل دورکیم و پارتو نیز مطالعاتی بر روی کار انجام داده‌اند ولی هیچکدام نتوانسته‌اند درباره موارد مهمی چون مناسبات بین گروههای جنسی و نژادی، اهمیت روابط بین محدوده فعالیتها در محل کار و در خانه و نقشی که نیروهای اجتماعی در تشکیلات تکنولوژی دارند، بحث کنند.

در بخش عظیمی از جامعه‌شناختی، دست کم تا همین اواخر کار بدون دستمزد، یعنی کار انجام یافته بدون پرداخت مستقیم و خارج از محدوده یک شغل خاص، هرگز مورد مطالعه و ملاحظه قرار نگرفته است. بحث مارکس درباره نیروی کار خود بیگانه، بطور کلی بر کارگران بنگاههای اقتصادی متمرکز است و اغلب مباحث جامعه‌شناسی صنعتی نیز از آن تبعیت کرده است. با این وجود، کار بی‌مزد، به ویژه کار زنان در محیط خانه، بطور عمده نادیده انگاشته می‌شد. ولی چنین کاری برای اقتصاد به اندازه اشتغال فردی ضرورت دارد؛ بطور تخمینی کار در

خانه معادل یک سوم مجموع تولید سالانه یک اقتصاد مدرن ارزش دارد.^۲

با آنکه زنان نقش مهمی در فعالیتهای اقتصادی، و اجتماعی دارند ولی کمتر از آنان سخن به میان می‌آورند. تنها زمانی که از مشاغل ثانوی، تخصص کمتر، دستمزد پایین و آینده نامعلوم صحبت می‌شود، وجود زنان مطرح می‌گردد. امروزه اهمیت اشتغال و نیروی انسانی ماهر و متخصص معلوم است و توجه به مسأله اشتغال زنان، این نیروی عظیم، و نیز بررسی جامعه شناختی آن بسیار مهم است.

در جوامع در حال توسعه نقش زنان، در برنامه‌های ملی و بین‌المللی و در رابطه با نحوه برخورد با مقاطع بحران اقتصادی و توسعه سرمایه‌گذاری نادیده گرفته شده است. بنابراین می‌توانند در فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی سهم بوده و با کسب آموزش در جهات مختلف، از جمله حرفه، در بالابردن سطح تولید و بهره‌وری بیشتر از نظر اقتصادی و رشد و توسعه کشور سهم به سزایی داشته باشند.

از سال ۱۹۷۰ نقش زنان در نیروی کار افزایش یافته است و تقریباً در همه جا زنان بیشتر در خارج از خانه کار می‌کنند. تجزیه و تفکیک شغل و تفاوت دستمزد، تقریباً در همه جا بر شکاف بین آنچه که زنان تولید می‌کنند و آنچه که بدست می‌آورند تأکید می‌کند. آنها همچنین به پول و آموزش دسترسی کمتری دارند.

کار زنان کم‌ارزش تلقی شده یا در بسیاری از موارد ثبت نمی‌شود. زنان فعالیتهای مختلفی در خانه و خارج از خانه دارند. چنانچه کار را در معنای معمولی، هر نوع اشتغال که پاداش مالی بر آن مترتب باشد، بدانیم. بسیاری از فعالیتهای زنان در این مقوله نمی‌گنجد زیرا پاداش مالی ندارد. لذا با توجه به این که زنان بخش عظیمی از فعالیتهای داخل خانه را انجام می‌دهند در صورتی که این کارها با ملاک‌های اقتصادی سنجیده می‌شد، هزینه بالایی را برای خانواده به وجود می‌آورد. ولی به هر حال امروزه این فعالیتهای جزء کار و اشتغال به معنای معمول آن نیستند.

فعالیت زنان در روستاها بطور معمول همیشه انجام شده است. در شهرهای قدیمی، زنان علاوه بر کارهای مربوط به خانه به مشاغل چون خیاطی، آرایشگری، مامایی، قالببافی،... می‌پرداختند.

بعد از انقلاب صنعتی و ایجاد کارخانه‌ها و کارگاههای مختلف، سرمایه‌داران به دنبال نیروی کار ارزان بودند و زنان بهترین این نیروها به حساب می‌آمدند، کم‌کم زنان به دستمزد ناعادلانه و کار زیاد خود معترض شدند و اتحادیه‌هایی را تشکیل دادند تا در برابر شرایط نابرابر کار و تبعیضات موجود مبارزه کنند. نمونه آن نهضتی است که در نیمه اول قرن نوزدهم پا گرفت که هدف آن برابری زن و مرد در مورد امکانات اشتغال و دستمزد و دفاع از حقوق زنان در دیگر زمینه‌ها بود.^۵

بسیاری از نقاط اروپا، در اواخر قرن نوزدهم، شاهد رشد خواستهای زنان برای به دست آوردن حقوق قانونی بود. تمایل رادیکالی زنان در آلمان، پایان دهه ۱۸۸۰، همچون فتلاند شکل گرفت. در بریتانیا این جنبش کمی زودتر انجام شد و در فرانسه نیز از نیمه قرن نوزدهم، شروع به گسترش کرد و در روسیه تا پایان این قرن هیچگونه موفقیتی برای جنبش زنان در عرصه قوانین عمومی حاصل نشد.^۶

رابطه دو سویه زنان با کارخانه، یعنی تلاش برای حفظ خانه و بزرگ کردن بچه‌ها، قبل از صنعتی شدن در زمانی که خانه یک واحد تولیدی بود، اهمیت چندانی نداشت؛ بخشی از زنان متأهل و در عمل تمامی زنان مجرد از آغاز صنعتی شدن در اشتغال فردی شرکت داشتند ولی فعالیت بسیاری از زنان به محیط خانه محدود می‌شد. از اوایل قرن بیستم به بعد، مستخدمین تنها توسط اقلیتی کوچک به استخدام کارهای خانگی در می‌آیند.

قبل از شهرنشینی، بسیاری از زنان وظایف متعددی را افزون بر مراقبت از بچه‌ها و کارهای معمولی خانه انجام می‌دادند. با توسعه مکانهای کار جدا از خانه، امر تولید نیز از مصرف جدا شد. مردان یعنی تولیدکنندگان برای کار به خارج از خانه رفتند و خانه یعنی قلمرو زنان، به محلی

برای مصرف کالا تبدیل شد.^۷

با انقلاب صنعتی، زنان بخشی عمده از محل‌های کار را در خارج از خانه به خود اختصاص دادند.

در آغاز قرن بیستم نزدیک به یک سوم از زنان انگلستان و در دهه ۱۹۸۰، ۴۰٪ آنان به نیروی کار خارج از خانه تبدیل شدند. در اروپا این مقدار به ۵۴٪ در سال ۱۹۸۳ رسید. طی دو جنگ جهانی زنها به اشتغال دعوت شدند، تا جایگزین مردانی شوند که به نیروهای مسلح پیوسته بودند.

بعد از جنگ جهانی اول، مردان دوباره جای زنان را گرفتند، ولی بعد از جنگ دوم این جایگزینی چندان دقیق صورت نگرفت. رشد اشتغال زنان از آن زمان با گسترش مشاغل خدماتی ارتباط نزدیکی داشته است. آنان به صورت نامتناسبی در بخش خدمات متمرکز شدند. این تمرکز در مناصب مدیریتی و یا حرفه‌ای نبود، بلکه در بازارهای کار ثانوی مشاهده می‌شد.^۸

از همین جا فعالیت سازمانهای مختلف زنان آغاز شد، اما این آزادی سبب جدایی زنان از قید و بند خانواده و ایجاد مشکلات عمده برای آنان شد.^۹

ب- تاریخچه اشتغال زنان در ایران

کارکرد زنان در خارج خانه همانند پدیده‌های دیگر اجتماعی، از زمانی به زمان دیگر متحول می‌گردد و این تحول می‌تواند مورد بررسی توصیفی و تبیینی قرار گیرد.

زن از زمانهای قدیم تا به امروز غیر از خانه داری، در امور مختلف کشاورزی، گله‌داری، صنایع دستی و حتی امور نظامی دوش به دوش مردان مشغول فعالیت بوده است ولی در دوره‌هایی که خانواده یک واحد اقتصادی به حساب می‌آمده است فعالیت‌های تولیدی زن که در خانه یا نزدیکی آن انجام می‌گرفته، جزء امور خانگی محسوب می‌شده است و زن در ازای آن کار مزد دریافت نمی‌کرده است. با وقوع انقلاب صنعتی در اروپای غربی و تبدیل کارگاههای خانگی به کارخانه و تبدیل نیروی انسانی به نیروی ماشینی، تحولات اساسی در شکل و مفهوم کار به

وجود آمد و فعالیت اقتصادی زن در مقابل دریافت مزد از خانه به کارخانه کشیده شد از آن زمان به بعد زنان با تحصیل علم در سطوح بالاتر، علاوه بر فعالیت‌های تولیدی در سایر زمینه‌ها مشغول به کار شدند.

اینک وضعیت اشتغال زنان را در ایران در چهار دوره قبل از اسلام، از ظهور اسلام تا نیمه قرن دوازدهم (ه.ش)، از نیمه دوم قرن دوازدهم تا قرن چهاردهم (ه.ش) و قرن چهاردهم (ه.ش) بطور خلاصه مورد بررسی قرار می‌دهیم. انتخاب این مقاطع تاریخی به دلیل تحول عمده‌ای بود که در وضعیت اشتغال زنان در هر یک از این مقاطع تاریخی حاصل شده است.

اشتغال زن در ایران در دوره قبل از اسلام

از زمان پیدایش انسان بر روی زمین زن و مرد هر دو کار می‌کردند، فرهنگ‌شناسان تقسیم کار را برحسب سن و جنس در میان اقوام مختلف مورد توجه قرار داده‌اند. گروهی از مورخان این پدیده را چنین تحلیل می‌کنند:

در پایان دوره کهن سنگی دیرین تقسیم کار میان زن و مرد به وجود آمد، مردان به شکار مشغول می‌شدند و زنان و کودکان به جمع‌آوری میوه‌ها و گیاهان می‌پرداختند. کارکردن زن در مزرعه موجب شد تا در کشاورزی مهارت و تخصص پیدا کند و به جای گردآوری حبوبات، خود به کاشتن دانه بپردازد. مردان هم کوشش کردند تا ابزارهای کشاورزی از قبیل داس سنگی و کج بیل بسازند.^{۱۰}

از ظهور دین اسلام تا نیمه قرن دوازدهم (ه.ش)

ظهور دین اسلام موجب تغییراتی در نظام اجتماعی زنان گردید. این دین امتیاز و ترجیح حقوقی برای مردان نسبت به زنان قایل نشده است بلکه اصل مساوات انسانها را درباره زن و مرد رعایت کرده است. ولی انحرافات که بعداً در نظام اجتماعی مسلمانان روی داد موجب انزوای زنان و ختن شدن تعالیم تساوی طلبانه اسلامی شد. نتیجه اینکه می‌توان گفت: در دوره‌های قبل و بعد از اسلام تا نیمه قرن دوازدهم در جامعه زن صرفاً در خانواده نقش اول را

ایفا می‌کند و فعالیت‌هایش عمدتاً محدود به کارهای داخل خانه می‌شود و حتی نقش او در خارج از خانه در واقع ادامه نقش او در داخل خانه می‌شود.^{۱۱}

از نیمه قرن دوازدهم تا چهاردهم (هش)

این دوره مصادف با سلطنت ایل قاجار است. ساخت جامعه ایران در این دوره ساختی سنتی - مذهبی بود. هر چند موقعیت اقتصادی و اجتماعی زنان در سراسر ایران یکسان نبود و برحسب وضع محل، عرف و عادات، سنن مذهبی و محلی متفاوت بود. بطور کلی می‌توان گفت فضای اندک برای فعالیت زنان وجود داشت، و فعالیت‌های زنان به فرزند آوردن و انجام کارهای خانگی و گاهی کشاورزی و نساجی محدود می‌شد و زنان در خارج از خانه مسؤولیتی نداشتند.^{۱۲}

قرن چهاردهم (هش)

یکی از بزرگترین وقایع تاریخ ایران انقلاب مشروطیت بود که تحول عظیمی در شؤون سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران به وجود آورد. بعد از انقلاب مشروطیت، سیدحسین خان عدالت اولین کسی بود که در دفاع از حقوق زنان در روزنامه عدالت مقالاتی نوشت. انجمن آزادی زنان، مدارس ناموس و ترقی، مجله‌های زنان آزادیخواه و همکاری مطبوعاتی زنان، شکل گرفت. در زمان پادشاهی رضاخان زنان توانستند به بسیاری از اهدافی که برای خود در نظر گرفته بودند، برسند که در رأس آن گسترش تحصیلات عمومی برای دختران بود. ولی آخرین سرشماری در رژیم پهلوی (۱۳۳۵ ه. ش) نشان می‌دهد که درصد بسیار کمی از زنان نسبت به مردان به کار خارج از خانه اشتغال داشته‌اند. (۳/۷ درصد زنان در مقابل ۸۶/۳ درصد مردان شاغل).

پس از پیروزی انقلاب اسلامی وضعیت اشتغال زنان کاملاً معلوم شد. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، علاوه بر اینکه بر انجام وظایف مادری برای زنان تأکید شده است، به استثنای اصل ۱۱۵ که طبق آن زن نمی‌تواند

رئیس جمهور شود زن و مرد از نظر تحصیل علم و اشتغال به کار از حقوق اجتماعی یکسان برخوردارند. اصل ۲۰ مؤید این نظر است که همه افراد اعم از زن و مرد بطور مساوی در حمایت قانون قرار دارند.

اصل ۳، ۲۱، ۲۸ و ۴۳ این قانون نیز برخوردار از زنان از حقوق اجتماعی برابر با مردان را نشان می‌دهد.^{۱۳}

اهمیت و ضرورت تحقیق

تحقیق و بررسی نابسانیهایی که وجود آمده در خانواده که به واسطه شاغل بودن زنان با آن روبرو هستیم؛ اینکه چگونه زنان می‌توانند نقش‌های حرفه‌ای و خانوادگی خود را از هم تفکیک کنند؛ تا چه اندازه مهاجرت شغلی زنان به صورت جمعی بر کیان خانواده تأثیر نهاده است؛ اختلافات زن و شوهری و درگیری‌های روانی میان آنان و آثار مستقیم آن بر روحیه فرزندان که درصد زیادی از آن در ارتباط با شاغل بودن زنان آن خانواده‌ها بوده است، اهمیت این تحقیق را روشن می‌سازد.

با توجه به مشکلاتی که پس از مشارکت همه جانبه زنان در امر اشتغال، چه در منزل و چه در محیط کار، ایجاد شده است، باید دید راه حل صحیح جلوگیری از این مشکلات چیست و گره کار در کجا می‌باشد.

می‌دانیم که مردان و زنان از حقوق مساوی برخوردار بوده و قوانین می‌باید در رعایت حقوق آنان ضمانت اجرایی لازم را ایجاد نماید. تقسیم کار در همه جوامع لازم است و باعث پیشرفت می‌شود ولی لزومی ندارد که زنان بخشی کارهای خانه را مختص به خود بدانند و مردان کار خارج از خانه را. در شرایط حاضر که زنان در خارج از خانه نیز به کار و حرفه اشتغال دارند وظایفشان مضاعف گردیده و بار سنگینی را به دوش می‌کشند. ولی آیا فقط تقسیم کار می‌تواند از نابسانیهایی که وجود آمده جلوگیری کرده و وظیفه خطیر مادری و پرورش نسل بعدی را که برعهده زنان قرار داده شده است، از پرتگاه سقوط نجات دهد؟

همچنین می‌خواهیم علل و عوامل بروز مشکلات را

شناسایی کنیم تا با مشخص کردن آنها، راهکارهای عملی و مفیدی در جهت رفع و یا سهولتر کردن آنها ارائه دهیم تا در آینده مشکلات را در این زمینه به حداقل برسانیم.

عقاید و نظرات موجود در مورد اشتغال زنان

در این زمینه سه دسته نظریه وجود دارد: نظرات موافق، نظرات مخالف و نظرات موافق مشروط که به شرح هر دسته می‌پردازیم:

نظرات و عقاید موافق

موافقین بر این عقیده‌اند که مادرانی که اعتماد به نفس را از طریق شغل کسب نموده‌اند و از تعلیم و تربیت برخوردارند، حس اعتماد به نفس و سازگاری را خیلی زود به فرزندان‌شان القا کرده و آنان را از نظر رشد در سطح بالاتری قرار می‌دهند. موافقین همچنین بر این عقیده‌اند که از نظر اقتصادی، اشتغال زن خصوصاً در طبقه متوسط، استقلال را برای او به همراه می‌آورد که وابستگی اقتصادی او را به شوهرش تا حد زیادی کم می‌کند. هانمن که یکی از موافقین شاغل بودن زنان است می‌گوید:

«زن شاغل به علت روابط اجتماعی که در جریان کار خود پیدا می‌کند، روشن‌بین‌تر از زن غیرشاغل می‌شود و با زندگی بهترکنار می‌آید و همچنین در سالهای میانه ازدواج که فرزندان بزرگ شده و یا خانواده را ترک می‌گویند، اشتغال در تعادل روانی زن اثر مثبت دارد.»

نظرات و عقاید مخالف

عقاید سنتی و اسارت ذهنی براساس جنس یکی از مهمترین عوامل مخالفت با اشتغال زن می‌باشد. طرفداران این نظریه معتقد به عدم تساوی حقوق اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بین زن و مرد هستند. دلایل آن به شرح زیر است:

دلایل ذهنی: طبق قانون خلقت، زن تابعی از مرد است.

دلایل علمی: از نظر وظایف بیولوژی، جسمی - روحی و اخلاقی تفاوتی که بین زن و مرد وجود دارد و توجه به این نکته که جنس زن ظریف و شکننده است سبب به وجود آمدن این نظریه شده است.

دلایل اخلاقی: زن موجودی فریبکار و هیجانی می‌باشد و مصاحبت با او موجب فساد است.

دلایل حفظ مصالح خانواده: اشتغال زن به عنوان حربه‌ای علیه مرد در جهت تأمین استقلال زن به کار می‌رود که این خود موجب تعارض و نابسامانی خانواده می‌گردد. از نظر این گروه هیچ جانشینی برای روابط عاطفی مادر وجود ندارد.

عقاید موافق مشروط

این گروه کارکردن زن را مشروط به رعایت برخی از قوانین می‌دانند. یعنی زنان با قبول شرایطی کار کنند. مثلاً به دلیل ساختار جسمانی ظریف و روحیه حساس، از اشتغال به هر کاری دوری کنند.^(۱۲)

نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها

پس از استخراج اطلاعات و تجزیه و تحلیل آنها به کمک جداول و نمودارهای توزیع فراوانی نتایج زیر به دست آمد:

در مشاغل اداری ۴۵ درصد و آموزشی ۳۸ درصد شاغل بودند. میزان تحصیلات آنان ۴۶ درصد کارشناسی بوده و ۸۰ درصد آنان دارای یک شغل بودند و تنها ۷ نفر آنان ۲۴ درصد همزمان با کار، تحصیل هم می‌کردند که آن هم به میزان ۵۷ درصد در مقطع کارشناسی بوده است و ۴۲ درصد آنان بین ۴ تا ۶ ساعت در هفته را صرف درس خواندن می‌کردند. میزان درآمد ماهانه ۴۶ درصد زنان بین ۵۰۰/۰۰۱ تا ۷۰۰/۰۰۰ ریال بوده است. ۶۴ درصد افراد در پاسخ به این سؤال که درآمد خود را چگونه مصرف می‌کنید به گزینه «کمک به خرج خانه» اشاره کردند و از آن جایی که بیش از نیمی از زنان درآمد خود را به خرج خانه اختصاص داده بودند، بنابراین در خرج کردن

درآمد با شوهر خود اختلافی نداشتند.

۳۶ درصد زنان بین نیم تا یک ساعت در شبانه‌روز با همسر خود تبادل نظر می‌کردند و ۷۶ درصد با شوهر خود اختلاف مهمی نداشتند. ۲۳ درصدی که اختلاف داشتند گزینه‌ها را این‌گونه انتخاب کرده بودند: عدم تفاهم فکری و اخلاقی (۳ نفر)، بدون پاسخ (۳ نفر) و اختلاف نظر در مورد کار زن (۱ نفر)؛ بنابراین با توجه به تعداد کم افرادی که اختلاف داشتند (۷ نفر) نسبت به کل فراوانی که ۳۰ نفر بوده است این مورد قابل بحث و بررسی نبود.

۱۰ درصد زنان در تصمیم‌گیریهای منزل شرکت داشتند و این مشارکت تقریباً در تمام زمینه‌های تصمیم‌گیری بوده است.

۵۳ درصد زنان معتقدند که کارشان مانع رفت و آمدهای خانوادگی نیست و ۴۲ درصد آنان بیشتر با خانواده خودشان رفت و آمد داشتند تا با خانواده شوهر یا دوستان. برای انجام کارهای داخل منزل هیچ یک از شوهران بطور تمام وقت مشارکت نداشتند و در این مورد ۵۶ درصد بطور مشترک فعالیت می‌کردند. برای انجام کارهای بیرون از منزل وضعیت معکوس بود یعنی ۴۰ درصد شوهران بطور اختصاصی کارهای بیرون از منزل را انجام داده و ۴۶ درصد بطور مشترک فعالیت می‌کردند و بطور کلی همکاری شوهران در انجام امور منزل خوب بوده است. ۴۳ درصد زنان دو فرزند داشتند که ۵۵ درصد آنان دختر بوده و در رده سنی یازده سال تا هفده سال قرار داشتند آنهایی که فرزندی در سن مهدکودک داشتند ۴۷ درصد بودند که ۴۰ درصد آنها خودشان فرزندان را به مهدکودک می‌بردند. فرزندانی که در سن مدرسه بودند (تقریباً ۴۰ درصد) بطور مساوی یا خودشان به مدرسه می‌رفتند یا همراه مادرشان (۱۶ درصد). در مورد مشکلات درسی فرزندان ۷۲ درصد زنان خودشان مستقیم با فرزندان ارتباط داشته و برای رفع مشکلات مدرسه‌ای آنان نیز خودشان (۷۱ درصد) به مدرسه مراجعه می‌کردند. اوقات فراغت فرزندان در ۶۷ درصد موارد با مادر سپری می‌شد و فرزندان دختر و پسر هر دو در ۵۰ درصد موارد از

مادر اطاعت می‌کردند.

ساعاتی که مادران با فرزندان سپری می‌کردند در ۳۵ درصد موارد بین ۶ تا ۸ ساعت در شبانه‌روز بوده است و در ۲۹ درصد موارد فرزندان به مقدار زیادی در تصمیم‌گیری‌های منزل دخالت می‌کردند (با توجه به اینکه فرزندان بیشتر در رده سنی یازده تا هفده سال می‌باشند).

ب- آزمون فرضیه‌ها

فرضیه صفر: بین اشتغال زنان و قدرت اقتصادی خانواده رابطه‌ای وجود ندارد.

فرضیه تحقیق (۱): بین اشتغال زنان و قدرت اقتصادی خانواده رابطه‌ای وجود دارد.

قدرت اقتصادی خانواده با دو سؤال زیر ارزیابی می‌شود:
۱. درآمد شما چقدر است؟

۱/ کمتر از ۳۰۰/۰۰۰ ریال

۲/ بین ۳۰۰/۰۰۱ تا ۵۰۰/۰۰۰ ریال

۳/ بین ۵۰۰/۰۰۱ تا ۷۰۰/۰۰۰ ریال

۴/ بین ۷۰۰/۰۰۱ تا ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال

۵/ بالای ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال

۲. درآمد خود را چگونه مصرف می‌کنید؟

۱. پس انداز

۲. مصرف شخصی

۳. کمک به خرج خانه

فراوانی مشاهده شده (۰)

میزان درآمد	کمتر از ریال ۳۰۰/۰۰	بین ۳۰۰/۰۰۰ تا ۵۰۰/۰۰۰ ریال	بین ۵۰۰/۰۰۰ تا ۷۰۰/۰۰۰ ریال	بین ۷۰۰/۰۰۱ تا ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال	بالای ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال	جمع کل
نحوه مصرف درآمد						
پس انداز			//	//	/	۵
مصرف شخصی		//	///	/	/	۷
کمک به خرج خانه		//////	////////	///	///	۲۳
جمع کل	۰	۸	۱۶	۶	۵	۳۵

نتیجه گیری از پژوهش

شوهر خود را در انجام امور منزل خوب گزارش نمودند نسبت به آنهایی که همکاری شوهر را ضعیف می دانستند دارای مشکلات کمتری بودند؛ یعنی نقش شوهران و همکاری آنها در کاهش مشکلات بسیار مؤثر بود.

اشتغال زنان باعث کاهش روابط عاطفی کم سابقه ای با فرزندان شده است ولی این کاهش در سطح وسیعی نبوده که بطور کامل باعث جدایی مادر از فرزندان شود، بطوری که فرزندان اطاعت از مادر را بطور کلی بر پدر ترجیح داده اند.

اشتغال این ۳۰ زن مانع رفت و آمد خانوادگی آنها نبوده است و آن تعدادی که معتقد بودند کارشان مانع رفت و آمد خانوادگی است، هم همکاری شوهر را در انجام کارهای منزل ضعیف گزارش کرده و هم فرزندان زیر ۵ سال داشتند و در رفت و آمد، خانواده خود را به خانواده شوهر ترجیح می دادند.

با توجه به ساعات کمی که زنان شاغل در منزل بودند (حدوداً ۶ ساعت) و خستگی زیاد ناشی از کار که منجر به بی حوصلگی آنان و عدم تبادل نظر کافی با همسر می شد، میزان ناسازگاری آنان زیاد بود ولی تنها ۷ نفر از این زنان به واژه جدایی می اندیشیدند که هر یک یا دلیل عدم تفاهم فکری و اخلاقی را بیان می نمودند و یا پاسخی نداده بودند. بنابراین نمی توان نظرات آنان را به کل جامعه مورد مطالعه تعمیم داد ولی با توجه به مطالب فوق، این زنان در کل با کار زن موافق بودند و دلیل آن را استقلال اقتصادی و بلوغ اجتماعی زن می دانستند.

پس از تجزیه و تحلیل داده ها و انجام آزمون فرضیه ها که منتهی به رد برخی از فرضیه ها و قبول تعدادی دیگر از آنها شد، می توان نتیجه گیری زیر را بیان نمود:

بطور کلی اشتغال زنان متأهل نمی تواند بدون مشکلات خانوادگی باشد ولی اینکه این مشکلات چیست و چگونه می توان با آن مقابله نمود موضوع اصلی مورد بررسی می باشد.

با توجه به آمارهای به دست آمده از پرسشنامه هایی که توسط زنان شاغل پر شده بود، می بینیم که نیاز مالی یکی از انگیزه های اصلی اشتغال زنان می باشد. یعنی اگر نیاز به حقوق این زنان در خانواده مطرح نبود، نزدیک به $\frac{1}{4}$ این زنان فعالیت بیرون از منزل را نمی پذیرفتند و ترجیح می دادند که در منزل و در کنار فرزندان و شوهر خود باشند و چون نیاز مالی آنها را وادار به کار کردن نموده است، با همسران خود اختلاف عقیده ای در مورد نحوه خرج درآمد نداشتند، چون در هر صورت این درآمد صرف امور خانواده می شود.

اشتغال زنان مانع از دخالت آنها در امور منزل نبود زیرا هر ۳۰ نفر بطور کامل در تصمیم گیری های منزل، اهم از خرید لوازم منزل، انتخاب مدرسه بچه ها، معاشرت با دوستان و فامیل شرکت می کردند.

زنانی که فرزندان زیر ۵ سال داشتند در مقایسه با زنانی که فرزندانشان در رده سنی یازده تا هفده سال قرار داشت و مشکلات بیشتری داشتند و آنهایی که همکاری

چند پیشنهاد

۱. نقش زن در خانه حول سه محور همسر داری، فرزند داری و خانه داری می‌گردد که هر کدام یک مدیریت است. مدیریت همسر، مدیریت فرزند و مدیریت خانه. یک مدیر هم بدون هدف، برنامه‌ریزی و نظم موفق نخواهد بود؛ پس کار یک مدیر سازماندهی به امور است که صرفاً حضور فیزیکی را نمی‌طلبد و اگر زندگی بر سه اصل مشارکت، برنامه‌ریزی، نظم و ساده‌زیستی متکی باشد هدفها قابل دسترس خواهند بود.

۲. مشارکت در امور خانه، تشویق به فعالیتهای اجتماعی، همفکری در امور اجتماعی و تأیید همسر، رضایت قلبی و اطمینان خاطر در زن ایجاد می‌کند که بازدهی کار را افزایش می‌دهد و بر موفقیت‌های اجتماعی او می‌افزاید. این مسأله دقیقاً دو روی یک سکه است و عکس آن هم ممکن است. وقتی زن و مرد از همدیگر حمایت کنند گرچه این حمایت در چارچوب خانه تعریف می‌شود ولی آثار و برکاتش در بالا بردن راندمان کار هویدا می‌گردد.

۳. قطعاً بچه‌ها به حضور مادر نیاز دارند، بچه‌ای که به خانه می‌آید و مادر در را به رویش می‌گشاید با بچه‌ای که کلید به گردش انداخته می‌شود تا به خانه برود و منتظر بماند از نظر عاطفی کاملاً تفاوت دارند. ولی نمی‌توان گفت که اشتغال زنان بر روابط عاطفی خانوادگی اثر کاملاً سوء دارد. این تأثیر بستگی به نگرش اعضاء خانواده دارد. اگر در خانواده‌ای مرد معتقد باشد که مدیریت کامل خانه بر عهده زن است و از زیر بار مسؤلیت شانه خالی کند، در چنین فضایی مگر می‌شود راجع به روابط عاطفی صحبت کرد؟ اگر به زن به عنوان یک موجود توانمند که جامعه به تواناییهایش نیاز دارد بنگریم و در زندگی مشترک واقعاً به عنوان شریک به او نگرسته شود بنابراین چرخه زندگی به راحتی می‌چرخد و زن هم بعنوان فردی که حقوقش رعایت می‌شود، در صدد تضييع حقوق دیگران نخواهد بود. در چنین محیطی که براساس روابط انسانی شکل می‌گیرد، رفتارهای عاطفی به وجود می‌آید که در آن صورت خانه این قبیل زنان، خانه‌هایی آراسته از نظر ظاهر

و باطن است. زن ایرانی به بنیان خانواده اهمیت می‌دهد و حفظ خانواده برایش از واجبات است.

۴. برای کاهش بار مضاعفی که بر زن وارد می‌شود راه‌حلهای مختلفی وجود دارد:

بخشی از آن مربوط به قوانین و مقررات حاکم بر نظام اداری و شغلی است، در نظام اداری و بحث‌های فرهنگی، زن، مادر است، و نقش محوری در خانواده دارد اما تدوین مقررات و قوانین به گونه‌ای است که تسهیلات و امکاناتی در اختیار زنان شاغل قرار نمی‌دهد تا بتوانند نقشهای متعدد خود را به خوبی ایفا کنند. بنابراین اگر بخواهیم خانواده استحکام خودش را حفظ کند و زن نقش مادری، همسری، خانه‌داری و اشتغال را به نحو مطلوب به انجام برساند باید قوانین و مقررات و بطور کلی نظام شغلی جامعه متحول شود.

بخش دیگر به مسائل فرهنگی و نگرش جامعه مربوط می‌شود که هنوز امر مشارکت در انجام امور خانه ضعیف است. در جامعه هیچ تبلیغی صورت نگرفته است که اعضاء خانواده در قبال خانه خود احساس مسؤلیت کنند. هنوز وقتی مادر به خانه وارد می‌شود انگار وظیفه قطعی اوست که نظافت، خرید، رسیدگی به امور بچه‌ها و ... را برعهده گیرد و به همین دلیل طبق آمار به دست آمده در جامعه ایرانی ما، عمر مفید زنان شاغل کمتر از مردان است.

بخش سوم هم به کم کاری زنان جامعه در امر تربیت برمی‌گردد. اگر مدیریت زنان در داخل خانه بر تربیت فرزندان و اصل مشارکت استوار شود، حداقل نسل آینده به گونه‌ای تربیت می‌شود که اداره منزل و انجام امور شخصی خودش را از دیگری نخواهد. هیچ قانونی نمی‌گوید که یک نفر کارهای یک جمع را انجام بدهد. اگر عاطفه زن اجازه بدهد تا با آموزش نکات تربیتی، بچه‌ها کمی منظم، برنامه‌ریز و مستقل بار بیایند، از فشار کار خانگی کاسته می‌شود و مطمئناً بر نشاط و شادایی خانواده افزوده خواهد شد.

فهرست پی‌نوشت‌ها

فهرست منابع و مآخذ

۱. ساروخانی، باقر، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده (بخش عوامل مؤثر در حیات خانواده)، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۷۵، ص ۱۷۸
۲. سفیری، خدیجه، جامعه‌شناسی اشتغال زنان، تهران، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی بنیان، ۱۳۷۷، ص ۸
۳. همان کتاب، صفحات ۱۱ - ۱۳
۴. همان کتاب، ص ۱۶
۵. همان کتاب، ص ۸ و ۹
۶. همان کتاب، ص ۲۰
۷. همان کتاب، ص ۱۷
۸. همان کتاب، ص ۱۸
۹. همان کتاب، ص ۲۰
۱۰. جاراللهی، عذرا، «تاریخچه اشتغال زن در ایران»، فصلنامه علوم اجتماعی، ش ۳ و ۴، ۱۳۶۴، ص ۲۵۰
۱۱. همایون تکمیل، ناصر، «بررسی موقع و منزلت زن در تاریخ ایران»، فرهنگ و زندگی، ش ۱۹ و ۲۰، زمستان ۱۳۵۶، ص ۲۰ - ۲۲
۱۲. بهنام، جمشید، ساختهای خانواده و خویشاوندی در ایران تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۵۶، ص ۱۳
۱۳. جاراللهی، عذرا، همان فصلنامه، ص ۲۵۰
۱۴. کهنمویی، فاطمه، اثرات اشتغال زنان بر خانواده، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد، مدرسه عالی شمیران، ۱۳۵۷